

ظهور صنعت نفت در شبه جزیره عربستان

نویسنده: رسول سرخابی، مجله ژئواکسپرو، جلد ۵، شماره ۶، سال ۲۰۰۸

مترجم: شیرکو بهادری، شرکت ملی نفت ایران؛ SherkoBahadori@gmail.com

صنعت نفت در خاورمیانه مسیر طولانی را پیموده است. در سال ۱۹۰۸ اولین چاه نفتی به صورت موفقیت آمیز در ایران حفاری شد. در سال ۱۹۲۷ میدان نفتی کرکوک در عراق کشف گردید. اما این کشفیات دهه ۳۰ در بحرین، عربستان سعودی و کویت بود که مناطق وسیعی از سرزمین‌های اعراب را در نقشه نفت جهان قرارداد و پای شرکت‌های نفتی امریکایی را به این منطقه استراتژیک باز کرد.

ابو نفت: پدر نفت (فرانک هولمز ۱۸۷۴-۱۹۴۷)

فرانک هولمز^۱، یک بریتانیایی صبور و سخت کوش با اصلیت نیوزیلندی بود. وی همچنین دارای لقب عربی "ابو نفت" نیز می‌باشد. اگرچه وی در طول جنگ اول جهانی در ارتش بریتانیا خدمت می‌کرد اما در اصل یک مهندس معدن بود که در معادن طلا در کل جهان کار کرده بود. او متقاعد شده بود که خاورمیانه دارای منابع سرشار نفت می‌باشد و بدنبال کسب درآمد از راه تجارت نفت در این خطه بود. در سال ۱۹۲۰ وی به تأسیس شرکت Eastern and General Syndicate در لندن، جهت توسعه فعالیت‌های نفتی در خاورمیانه کمک کرد. سال‌های بعد که از وی، به عنوان یک غیر زمین‌شناس، سوال شد که چگونه به غنای نفت خاورمیانه اطمینان داشت در حالیکه اکثر زمین‌شناسان سرشناس علیه انجام فعالیت‌های نفتی در این منطقه رأی داده بودند وی در جواب گفت که بوی نفت را با بینی‌اش حس کرده است و "بینی من زمین‌شناس من بود".

در سال ۱۹۲۲ هولمز جهت مذاکره با سلطان عبدالعزیز ابن سعود (۱۸۸۰-۱۹۵۳)، که بعدها بر مناطق شرقی شبه جزیره عربستان حکومت می‌کرد، برای اخذ یک امتیاز نفتی به عربستان رفت. در آن زمان، بریتانیا کنترل زیادی بر امور خاورمیانه داشت و ابن سعود کمک‌های مالی از بریتانیا جهت همکاری با آن‌ها برای مقابله با ترک‌های عثمانی دریافت می‌کرد. اتفاقاً در ۱۹۲۲ پرسی کاکس^۲ (کمیسر عالی بریتانیا) با ابن سعود، جهت بحث

^۱ Frank Holmes

^۲ Sir Percy Cox

در مورد مرزهای پادشاهی‌اش با کویت، دیدار کرد و با ایجاد یک منطقه بیطرف بین دو کشور مسئله حل شد. کاکس که از حضور هولمز در عربستان مطلع شده بود، امیدوار بود که شرکت نفت ایران و انگلیس (بعدها بریتیش پترولیوم) یک امتیاز نفتی در عربستان اخذ کند، لذا هولمز و ابن سعود را از امضای قرارداد نفتی بر حذر داشت. امین ریحانی^۳ یک امریکایی لبنانی، که وی نیز مهمان ابن سعود بود و قضایا را با علاقه پیگیری می‌کرد، همچنان که در کتاب خود به نام "ابن سعود عربستان" (۱۹۲۸) اشاره کرده است، رنجش خود از تفکر استعمارگراییانه کاکس را بیان نموده و قرارداد هولمز را به سلطان پیشنهاد می‌کند.

در سال ۱۹۲۳ ابن سعود امتیازی را به هولمز جهت اکتشاف نفت در منطقه شرقی الحساء در قبال پرداخت اجاره سالیانه ۲۵۰۰ پوند، اعطا می‌کند. شرکت Eastern and General Syndicate اکتشاف خود را با تجهیزات ضعیف در یک ناحیه دورافتاده شروع می‌کند. آن‌ها سپس یک زمین‌شناس سوئیسی به نام آرنولد آلبرت هیم^۴ را به خدمت می‌گیرند و وی در ۱۹۲۴ به عربستان می‌آید و دو سال بعد در گزارشی بیان می‌کند که حفاری در این ناحیه یک "قمار خالص" است. در ۱۹۲۷ هولمز، بی سروصدا فعالیت‌های شرکت را در منطقه الحساء متوقف می‌کند و اجاره سالیانه را بدون اینکه رسماً قرارداد را لغو کند، پرداخت نمی‌کند. شرکت نفت ایران و انگلیس نیز به این نتیجه منفی می‌رسد که نفتی در عربستان وجود ندارد، و بعداً آنها بابت همین امر بهای سنگینی پرداخت می‌کنند.

از بحرین شروع شد

در سال ۱۹۰۸، شرکت Guy E. Pilgrim of the Geological Survey of (British) India در مورد چینه شناسی و چشمه‌های نفتی جزیره بحرین گزارشی ارائه داده بود. اما شیخ حمد آل خلیفه امیر بحرین بیشتر دنبال آب بود. هولمز چاه‌های آرتزین آب در بحرین حفر کرد و در عوض شیخ به شرکت Eastern and General Syndicate در سال ۱۹۲۵ امتیاز نفتی اعطا کرد. اما این شرکت در آن زمان در مضیقه مالی بود. هولمز جهت تأمین منابع مالی به لندن رفت و امتیاز را به شرکت نفت ایران و انگلیس و شل پیشنهاد داد، اما هیچ کدام از این شرکت‌ها حاضر به گوش دادن به حرف‌هایش نشدند.

³AmeenRihani

⁴Arnold Albert Heim

هولمز مجهز به یک گزارش زمین‌شناسی جذاب و نمونه‌های سنگ آغشته به نفت گرفته شده از بحرین، جهت جذب "شیوخ نیویورک" به امریکا رفت. فقط شرکت گلف اویل^۵، مشتاق به معامله بود؛ و آن‌ها ابتدا زمین شناس خود بنام رالف رودز^۶ را جهت تأیید گزارش به بحرین فرستادند. رودز پیشنهاد کرد که هر چه سریع‌تر حفاری شروع شود. در ۱۹۲۷ گلف اویل قبول کرد که امتیاز هولمز را بخرد و وی را به عنوان مدیر شرکت در بحرین استخدام نمود.

اما بزودی مشکلات بروز یافت. بدنبال کشف نفت در عراق (مزوپوتامیا، سپس قسمتی از امپراطوری عثمانی) در سال ۱۹۲۷، شرکت نفت ترکیه^۷ (سپس عراق) به عنوان کنسرسیومی از چندین کمپانی شامل شرکت نفت ایران و انگلیس، رویال داچ شل، شرکت نفت فرانسه، گروه آمریکایی و آقای کالوست گلبنکیان^۸ معروف به "پنج درصد" تاجر انگلیسی آمریکایی ترک (که همه شریک‌ها را دور هم جمع کرده بود) تغییر ساختار یافت. در جلسه‌ای در سال ۱۹۲۸ آقای پنج درصد یک خط قرمز بر روی یک نقشه خاور میانه رسم نمود و محدوده‌های امپراطوری سابق عثمانی را نشان داد. بر اساس این قرارداد، هیچ عضوی از کنسرسیوم نفت عراق نمی‌بایست به صورت مستقل در درون این محدوده خط قرمز عملیات نفتی انجام می‌داد. گلف اویل یکی از امضا کنندگان این قرارداد بود و بحرین نیز در این محدوده قرار داشت. کنسرسیوم نفت عراق مشتاق به هیچ فعالیتی در بحرین نبود و به گلف اویل نیز اجازه نداد به تنهایی در آن محدوده فعالیت کند. در نتیجه گلف اویل امتیاز بحرین خود را به ازای ۵۰ هزار دلار به استاندارد اویل آف کالیفرنیا^۹ (سوکال) فروخت. این شرکت نیز در ۱۹۲۹ یک شرکت فرعی کانادایی به نام شرکت نفت بحرین (باپکو) جهت انجام فعالیت در بحرین تأسیس کرد که هولمز همچنان مدیر آن بود. باپکو با همکاری وزارت خارجه امریکا، عدم مخالفت دولت انگلیس را برای عملیات اکتشافی در بحرین کسب نمود.

در اکتبر ۱۹۳۱، سوکال/باپکو چاهی در ساختار طاق‌دیسی جبل دخان^{۱۰} نزدیک شهر عوالی، به دلیل نزدیکی به چشمه‌های نفتی، حفر کردند. در اول ژوئن ۱۹۳۲ نفت خام سبک (با درجه ای پی ۳۸ با نرخ تولید ۹۶۰۰ بشکه در روز) در مخزن کربناته از عمق ۶۰۰-۷۵۰ متری فوران کرد.

⁵Gulf Oil Corporation

⁶Ralph Rhoades

⁷Turkish (later Iraq) Petroleum Company

⁸CalousteGulbenkian

⁹Standard Oil of California (Socal)

¹⁰JabalDukhan

در سال ۱۹۳۴ بحرین ۲۸۵ هزار بشکه نفت تولید کرد و شروع به صادرات نمود. دو سال بعد پالایشگاهی با ظرفیت ۱۰ هزار بشکه در روز در جزیره ساخت. دولت بحرین ۳.۵ روپیه (۱۴٪) به ازای هر تن نفت تولیدی کسب می‌کرد، اما این سهم به ده روپیه (۱۹٪) در سال ۱۹۵۰ افزایش یافت. دو سال بعد، یک قرارداد مشارکت در سود^{۱۱} ۵۰-۵۰ امضا شد و تولید بحرین سپس به ۳۰ هزار بشکه در روز رسید.

سر جان کادمین^{۱۲} رئیس شرکت نفت ایران و انگلیس، از اینکه منابع نفتی بحرین را از دست داده بودند به شدت عصبانی بود، علی‌الخصوص که این جزیره شیخ نشین تحت‌الحمایه بریتانیا بود. زمین‌شناسان شرکت اشتباه بزرگی کرده بودند: آنها فقط سنگهای مخزن (Oligocene-Miocene) مشابه میدان نفتی مسجد سلیمان را که در بحرین سر بیرون آورده بود، در نظر گرفته بودند. اما نواحی حاوی نفت بحرین از سنگهای رسوبی دیگری بودند.

یک زمین شناس شرکتسوکال، بنام فرد دیویس^{۱۳} یک ایده خیالی در ذهن داشت: مخازن شبیه به آنهایی که در بحرین هستند، فقط به فاصله ۳۲ کیلومتر، همچنین در زیر زمین شبه جزیره عربستان گسترده‌اند. وی اداره مرکزی‌اش در سان فرانسیسکو را متقاعد کرد تا در مناطق خشکی عربستان کارهای اکتشافی انجام دهد.

ورود جک فیلی

در سال ۱۹۳۲، ابن سعود با غلبه بر رقیبان و یکپارچه کردن عربستان اسم این کشور را به نام عربستان سعودی نامگذاری و به عنوان شاه تاجگذاری کرد و ریاض را به عنوان پایتخت برگزید. اما پادشاهی وی با مشکلات مالی عدیده مواجه بود. دنیای غرب در رکود اقتصادی بزرگ بود و درآمد سنتی عربستان از زوار مکه کاهش یافته بود. ابن سعود یک دوست بریتانیایی به نام هری سنت جان جک فیلی^{۱۴} داشت. وی در سال ۱۹۲۵ شغلش را در شرکت خدمات عمرانی هندی^{۱۵} جهت تجارت و اکتشاف جغرافیایی در عربستان رها کرد. او مخالف استعمارگری بریتانیا در خاورمیانه بود و بدلیل علاقه‌اش به فرهنگ عرب حتی مسلمان شد و به وی نام عبدالله بوسیله شاه سعودی داده شد.

¹¹Profit Sharing Agreement

¹²Sir John Cadman

¹³Fred A. Davies

¹⁴ Harry St. John "Jack" Philby

¹⁵Indian Civil service

فیلیبی در کتاب خود تحت عنوان فعالیت‌های نفتی عربستان می‌گوید که در پاییز ۱۹۳۰ در طول یک ماشین سواری در بیابان، وی ابن سعود را متقاعد کرده تا از منابع نهان نفت کشور بهره‌گیرد. سال بعد فیلیبی یک میلیونر و بشردوست امریکایی به نام چارلز کرین^{۱۶} را به شاه در شهر جدّه، جایی که فیلیبی یک شرکت تجارت‌ماشین داشت، معرفی کرد. کرین که یک متخصص آبیاری بود، یک تجارت موفق در پرورش خرماهای مصری در کالیفرنیا بنا کرده بود. ابن سعود علاقه‌مند به یافتن چاه آبی آرتزین در کشورش بود. بدلیل سپاسگذاری و تشکر از مهمان‌پذیری شاه، کرین مهندسش در یمن، کارل تویچل^{۱۷}، را برای جستجوی منابع آبی در عربستان سعودی گماشت. گزارش سال ۱۹۳۲ تویچل حاوی اخبار خوبی در مورد منابع آبی نبود، اما به اهمیت چشمه‌های نفتی در ناحیه الحساء پی برد. پس از برگشت تویچل به امریکا، ابن سعود درخواست خود برای دعوت از شرکت‌ها نفتی آمریکایی جهت سرمایه‌گذاری در اکتشاف نفت عربستان را مطرح نمودند.

بعد از کشف نفت در بحرین در سال ۱۹۳۲، شرکت سوکال پیامی به هولمز در بحرین فرستاد تا جلسه‌ای با شاه سعودی برای اخذ یک امتیاز نفتی بر پا کند. اما هولمز به دلیل شکست امتیاز ۱۹۲۳ در عربستان سعودی، از ادامه کار در این کشور اکراه داشت.

در همین زمان فرانسیس لومیز^{۱۸}، یک دیپلمات قبلی دپارتمان امریکا و مشاور شرکت سوکال در روابط خارجی، نامه‌ای به فیلیبی در سال ۱۹۳۲ جهت کمک برای دستیابی به یک امتیاز نفتی در عربستان سعودی فرستاده بود. لومیز در یک مهمانی نهار در واشنگتن در اواخر سال ۱۹۳۲، تویچل را ملاقات کرد. کمی بعد لومباردی^{۱۹} مدیر شرکت سوکال، تویچل را به عنوان مشاور استخدام و وی را به همراه لوید همیلتون^{۲۰} حقوقدان به عربستان اعزام کرد. این دو بوسیله کشتی در ۲۰ فوریه ۱۹۳۳ به جدّه رسیدند. آنها با فیلیبی تماس گرفتند و به صورت مخفیانه وی را در لیست حقوق شرکت سوکال به عنوان مشاور قرار دادند. فیلیبی می‌خواست که قدرت چانه زنی بیشتر برای دوستش (شاه) کسب کند، در نتیجه به شرکت‌های ایران و انگلیس و عراق پترولیم (که هر دو زیر نظر بریتانیا بودند) برای فرستادن مذاکره‌کننده در مناقصه نفتی پیشنهاد داد. بریتانیا استنفان همزلی لانگریگ^{۲۱} (نویسنده کتاب نفت در خاور میانه) را فرستاد. به لانگریگ اجازه پرداخت بیش از ۶۰۰۰ پوند برای کسب امتیاز داده نشده بود. تیم امریکایی مایل به پرداخت پول بیشتری جهت کسب امتیاز بود. بعد از

¹⁶Charles R. Crane

¹⁷Karl Twitchell

¹⁸Francis Loomis

¹⁹M. E. Lombardi

²⁰Lloyd Hamilton

²¹Stephen Hemsley Longrigg

مذاکرات طولانی، امتیاز به شرکت سوکال در قبال ۳۵۰۰۰ پوند پیش پرداخت (که شامل اجاره ۵۰۰۰ پوندی سال اول نیز بود)، یک وام ۲۰۰۰۰ پوندی بعد از ۱۸ ماه، اجاره سالیانه ۵۰۰۰ پوندی و رویالتی ۴ شیلینگ به ازای هر تن نفت تولیدی واگذار شد. امتیاز، برای ۶۰ سال اعتبار داشت و بوسیله همیلتون و وزیر مالی عربستان سعودی عبدالله سلیمان آل حمدان، که اینگونه بوسیله ملکه ابن سعود راهنمایی شد^{۲۲} به خدا توکل کن و امضا کن^{۲۳}، در ۲۹ می ۱۹۳۳ امضا شد. در ۲۵ آگوست ۱۹۳۳ تویچل و عبدالله سلیمان پیش پرداخت ۳۵۰۰۰ پوندی شرکت سوکال را شمردند. (تویچل این مسئله را در کتاب خود در سال ۱۹۵۱ در مورد عربستان سعودی منتشر کرد)

چاه شماره ۷ دمام

در پاییز ۱۹۳۳، سوکال شرکت کالیفرنیا عربین استاندارد اوایل کمپانی^{۲۲} را به عنوان نمایندگی خود جهت فعالیت در عربستان سعودی بنا نهاد و زمین شناسان خود را به آن کشور فرستاد. در حالی که سربازان و راهنما آنها را همراهی می کردند، این زمین شناسان شروع به کارهای اکتشافی در شرق عربستان کردند. آنها گنبد دمام را در حوالی ۸ کیلومتری روستای ساحلی دمام شناسایی کردند. این ساختار طاقیسی در زبان محلی کوه ظهران نامیده می شد. در بهار ۱۹۳۴ شرکت، هواپیماییه خلبانی دیک کر^{۲۳}، که خود یک زمین شناس بود، برای نقشه برداری هوایی به آن منطقه فرستاد. در پاییز ۱۹۳۴ زمین شناس توانمند ماکس استینک^{۲۴} به پروژه زمین شناسان در عربستان سعودی پیوست و دو سال بعد زمین شناس ارشد شد.

بعد از ماهها نقشه برداری در ناحیه قراردادی، زمین شناسان تصمیم به حفر اولین چاه بنام دمام شماره ۱، در غرب دامنه کوه ظهران گرفتند. عملیات را گای ویلیامز بعنوان حفار^{۲۵} و فلویید اولیجر^{۲۶} بعنوان مهندس نفت سرپرستی می کردند. حفاری در ۳۰ آوریل ۱۹۳۵ شروع شد و در دسامبر وارد زون بحرین شدند. با توجه به مقدار کم نفت و گاز مشاهده شده، حفاری در عمق ۹۷۶ متری متوقف گردید.

چاه دمام شماره ۲ در فوریه ۱۹۳۶ حفر گردید اما تنها به آب نمک رسید. از چاه شماره ۳ نفت ویسکوز (چسبناک) حاوی سولفور بالا بیرون زد (که مناسب پوشش راههای بیابانی که مردم درست کرده بودند بود). هر

²²California Arabian Standard Oil

²³Dick Kerr

²⁴Max Steineke

²⁵Guy S. Williams

²⁶Floyd W. Ohliger

دو چاه شماره ۴ (با عمق ۷۰۷ متر) و شماره ۵ (با عمق ۶۳۰ متر) خشک^{۲۷} بودند. چاه شماره ۶ هیچ وقت حفر نشد چون ماکس استینک مکان بهتری یافت (موقعیت چاه شماره ۷). حفاری چاه شماره ۷ از هفتم دسامبر ۱۹۳۶ شروع شد و استینک در مورد این چاه خوشبین و مطمئن بود.

در بهار ۱۹۳۷ در حالی که حفاری ادامه داشت، اولین گروه از زنان و بچه‌های امریکایی وارد طهران شدند و کلبه‌های مجهز به کولر برای خانواده‌های امریکایی بنا نهاده شد. در ۳۱ دسامبر ۱۹۳۷ چاه دمام شمار ۷ فوران^{۲۸} کرد و فشار گاز، دکل را به هوا فرستاد. این خبر بدی در روز سال نو میلادی بود اما استینک دستور داد "کمی بیشتر حفر کنید". در چهارم مارس ۱۹۳۸ (تقریباً سه سال بعد از حفر چاه دمام ۱)، ۱۵۸۵ بشکه نفت - طلای سیاه، همان چیزی که شرکت سوکال و سعودی‌ها برای مدت زمان زیادی دنبال آن بودند- شروع به فوران از چاه کرد. جریان چاه، سه روز بعد به ۳۶۹۰ بشکه رسید و چاه در عمق ۱۴۴۱ متری در ناحیه ژوراسیک بالایی عرب تکمیل گشت. این مخزن کربناته با ضخامت ۱۳۰ متری (با تخلخل بین ۲۰ تا ۲۵ درصد)، نفت با کیفیت بالایی (با درجه ای پی آی ۳۴ تا ۳۵ و ۱.۵٪ سولفور) داشت.

در سال ۱۹۳۹ شرکت سوکال یک خط لوله ۶۳ کیلومتری از میدان نفتی دمام تا بندر رأس تنوره^{۲۹} کشید (یک سال بعد یک پالایشگاه کوچک ۳۰۰۰ بشکه‌ای نیز در این بندر ساخته شد). در اول می ۱۹۳۹ ملک عبدالعزیز ابن سعود از نفتکش اسکوفیلد^{۳۰} در رأس تنوره که نخستین محموله را از آنجا حمل می‌کرد، بازدید با شکوهی کرد. صادرات عربستان تا پایان سال ۱۹۳۹ به ۵۲۱۰۰۰ تن (۳.۹ میلیون بشکه تقریباً معادل ۱۰۷۰۰ بشکه در روز) رسید.

در ۳۱ می ۱۹۳۹ ویلیام لناهان^{۳۱} نماینده شرکت سوکال موفق به امضای یک قرارداد مکمل با شاه گردید که در آن محدودده قرارداد از ۸۳۰ هزار کیلومتر مربع به ۱.۱۴ میلیون کیلومتر مربع افزایش یافت؛ در عوض ۱۴۰ هزار پوند به دولت سعودی پرداخت شد و نرخ اجاره در سال به ۲۵۰۰۰ پوند افزایش یافت و وعده ۱۰۰ هزار پوند در صورت کشف میدان جدید داده شد و بهره مالکانه همانند قبل باقی ماند. (این بندها در دهه‌های بعدی باز تغییر یافتند).

²⁷Dry

²⁸Blow out

²⁹RasTanura

³⁰D.G. Scofield Tanker

³¹William J. Lenahan

در سال ۱۹۳۶ شرکت تگزاکو ۵۰٪ سهام کالیفرنیا عربین استاندارد اویل کمپانی را خریداری کرد. در سال ۱۹۴۸ نام شرکت به آرامکو^{۳۲} تغییر یافت. در سال ۱۹۴۸ شرکت استاندارد اویل آف نیوجرسی^{۳۳} و سوکونی وکیوم^{۳۴} (که هر دو اکنون با هم ادغام شده و تبدیل به شرکت اکسون موبیل شده‌اند) تعدادی از سهام آرامکو را خریدند. در سال ۱۹۸۰ دولت سعودی خرید اموال آرامکو را تکمیل کرد (۲۵٪ در سال ۱۹۷۳ و ۶۰٪ در سال ۱۹۷۴)، و در نتیجه زندگی جدیدی برای "سعودی آرامکو"^{۳۵} شروع شد.

در سال ۱۹۸۲ (بعد از ۴۵ سال) چاه شماره ۷ دمام بعد از تولید ۳۲ میلیون بشکه نفت (به طور متوسط در حدود ۲۰۰۰ بشکه در روز) بسته شد.

در همین اثنا در کویت

شیخ احمد آل جابر آل صباح در سال ۱۹۲۱ امیر کویت شد. صادرات مروارید به صورت سنتی درآمد عمده کویت را تأمین می‌کرد، اما در سال ۱۹۳۰ یک تاجر ژاپنی بنام کویچی میکی موتو^{۳۶}، یک تجارت موفق مروارید مصنوعی ارزان راه انداخته بود. کویت نیاز شدید به پول داشت و نفت، به خصوص بعد از کشف آن در بحرین، یک فرصت سودآور برای آنان بود.

کویت خارج از محدوده قرارداد خط قرمز^{۳۷} قرار داشت؛ در نتیجه شرکت گلف اویل برای عملیات در آن کشور آزاد بود. به علاوه گلف اویل بوسیله یک دیپلمات امریکایی قدرتمند، یک مرد نفتی ۷۷ ساله به نام اندرو ملون^{۳۸} که سپس سفیر امریکا در لندن شد و خود را پدر خوانده گلف اویل می‌دانست (بدلیل اینکه برادرزاده‌اش بنام ویلیام ملون^{۳۹} مدیر گلف اویل بود)، پشتیبانی می‌شد. همچنین بریتانیا نفوذ فراوانی در کویت داشت و نمی‌خواست نفت کویت را از دست بدهد اگرچه تقاضای کمی برای نفت در دوره رکود دهه ۱۹۳۰ وجود داشت. از سال ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۲، گلف اویل و شرکت ایران و انگلیس به صورت مستقل به امیر کویت برای کسب امتیاز مراجعه می‌کردند و شیخ از این مسئله خوشحال بود چون باعث افزایش قدرت چانه زنی وی می‌شد. اما زمانی

³²Arabian American Oil Company

³³Standard Oil of New Jersey

³⁴Socony-Vacuum

³⁵Saudi Arabian Oil Company

³⁶KokichiMikimoto

³⁷Red Line Agreement

³⁸Andrew Mellon

³⁹William Mellon

که کادمن^{۴۰} فهمید که امیر کویتتمایل بیشتری برای معامله با نماینده شرکت گلف اوپل، آقای فرانک هولمز، دارد او متقاعد شد که هر دو شرکت به عنوان یک خریدار متحد شوند و یک پیشنهاد واحد را به امیر کویت بدهند.

در سال ۱۹۳۳ هولمز و نماینده شرکت نفت ایران و انگلیس آرچیبالد چیشولم^{۴۱} به توافق رسیدند که یک جوینت ونچر ۵۰-۵۰ (فعالیت تجاری مشترک) در لندن با نام شرکت نفت کویت^{۴۲} بنا کنند. در ۲۳ اکتبر ۱۹۳۴ شیخ احمد امتیاز نفتی را که کل ۱۵۸۰۰ کیلومتر مربع از کویت را برای مدت ۷۵ سال شامل می‌شد، را به این شرکت داد و هولمز را به عنوان نماینده خود در لندن گماشت. پیش پرداخت به مبلغ ۴۷۰ هزار روپیه (معادل ۳۵۷۰۰ پوند) به شیخ کویت داده شد و اجاره سالیانه ۹۵ هزار روپیه (معادل ۷۱۵۰ پوند) و بهره مالکانه سه روپیه به ازای هر تن نفت تولیدی با مقدار حداقل سالیانه ۲۵۰ هزار روپیه تعیین گردید. این البته خیلی کمتر از آن چیزی بود که شیخ کویت امید به کسب آن داشت (در سال ۱۹۵۰ کویت وارد قرارداد مشارکت در سود ۵۰-۵۰ شد و در دهه ۱۹۷۰ شرکت نفت کویت ملی اعلام شد).

در سال ۱۹۳۵ اکتشاف زمین شناسی در کویت شروع شد و در ۳۱ می ۱۹۳۶ حفر اولین چاه در بحره^{۴۳} شروع شد، اما در عمق ۲۴۴۲ متری اثبات شد که چاه خشک^{۴۴} است. شرکت سپس تصمیم گرفت تا یک لرزه‌نگاری در کویت انجام دهد. موقعیت دوم برای حفاری در نزدیکی یک چشمه معروف فقیر طبیعی^{۴۵} در ناحیه بورقان حدود ۴۲ کیلومتر جنوب شهر کویت انتخاب شد. حفاری در ۱۶ اکتبر ۱۹۳۷ شروع شد و رسوب‌های زیر ۱۰۰۰ متر حاوی نفت بود^{۴۶}. در ۲۳ فوریه ۱۹۳۸ در عمق ۱۱۲۰ متری، مته به یک ناحیه پر فشار برخورد کرد (سازند میانی کرتاسه بورقان) که از آنجا نفت و گاز به سطح زمین رسید (جریان نفت به ۴۳۴۳ بشکه در روز افزایش یافت که درجه ای پی آن ۳۲.۵ بود). چاه با سختی زیاد کنترل شد و در ۱۴ می تکمیل شد. حفاری های جدید اثبات کرد که ساختار طاق‌دیسی بورقان یکی از بزرگترین میادین نفتی خاورمیانه است.

⁴⁰Cadman

⁴¹Archibald Chisholm

⁴²Kuwait Oil Company

⁴³Bahrah

⁴⁴Dry Well

⁴⁵Bitumen

⁴⁶Oil Show

عصر جدید

اگرچه اکتشاف و تولید نفت در سرزمین‌های عربستان در دوره جنگ جهانی دوم بدلیل احتمال اشغال میادین نفتی توسط آلمان متوقف شد، ولی صنعت نفت بعد از جنگ جهانی دوم به سرعت رشد کرد. با اکتشافات سال ۱۹۳۸ در عربستان سعودی و کویت با مشارکت شرکت‌های نفتی امریکایی عصر جدیدی در اقتصاد و تاریخ ژئوپولیتیک خاورمیانه شروع شد؛ این داستان‌ها همچنین بیانگر فصلی دراماتیک در تاریخ صنعت نفت می‌باشند.